

بسم الله الرحمن الرحيم

سخنرانی استاد رحیم پور ازغدی در جمع جهادگران طلبه و دانشجو/ تیر ۱۴۰۱ / مشهد مقدس

کار جهادی از نوع علم حضوریست

یکی از جمع‌هایی که صادقانه شرکت می‌کنم جمع‌هایی مثل جمع شماست. با کمال میل و علاقه شرکت می‌کنم. زیرا راجع به گفتمان فعالیت‌های جهادی بحث می‌شود. مدیریت جهادی از جمله چیزهایی است که بیش از آنکه نیاز به بحث داشته باشد، محتاج به رؤیت است. یعنی کسانی که در فعالیت‌های جهادی تجربه شخصی و جمعی نداشته باشند هرچقدر برایشان توضیح دهید جز مفاهیم و اصطلاحات کلی، درکی از آن ندارند. کار جهادی با علم حضوری درک می‌شود و علم حصولی فایده‌ای ندارد. مثل لذتی که از یک زیبایی می‌بریم یا حال خوشی که در یک موقعیتی برای شما دست می‌دهد بخواهید برای کسی توضیح دهید فقط در الفاظ می‌ماند. تجربه خدمت به دیگران بدون هیچ توقعی، لذتی است که کمتر کسی به آن دست پیدا می‌کند و قابل تبیین نیست هرچقدر توضیح بدهند نمی‌فهمد.

استخدام ، مشکل دائمی انسان

آن چیزی که همه دائماً گرفتارش هستیم لذت خدمت به خود است یا لذت به خدمت گرفتن دیگران است. درصد بسیار اندکی از انسانها لذت خادم بودن را تجربه می‌کنند. قوه استخدام یا قوه استثمار غریزی است. یعنی در هر موقعیتی که هستیم نگاه می‌کنیم چه چیزی و چه کسی برای من چه چیزی دارد و کدام بخش از رنج‌های مرا کم می‌کند و شادی مرا اضافه می‌کند در این صورت برای آن ارزش قائل می‌شویم. حیوانات ۱۰۰ درصد اینطورند و انسان‌ها ۹۰ و چند درصد اینطورند. مفهوم التذاذ که غریزی هم هست، محور اصلی کنش‌ها و فعل و انفعالات همین است. حیوان اگر فداکاری هم می‌کند برای رنج نبردن است و این غریزی

است. حیوان خوب و بد ندارد. همه حیوانها خوب هستند. حیوان ظالم نداریم. حیوان صالح و ناصالح نداریم همه در حیوانیت خود صالح است. انسان است که ظرفیت فراحیوانی دارد ولی اغلب در حیوانیت مانده است و اگر هم کار انسانی می‌کند تظاهر است؛ یک مرضی در باطن هست؛ جهت جلب رأی یا جلب محبت است. یا وقتی مُردم نام نیکی از من به یادگار مانده باشد. بازهم یک «خودخواهی کادوپیچ» در آن هست. افرادی که مشهورتر هستند کار خیرخواهانه می‌کنند اما ۲۰ تا استوری هم می‌گیرند، که ما خادم خلق هستیم و خدمت می‌کنیم به محرومین و بیماران. سلبریتی‌ها و مسئول‌نماها یک قدم جزیی بر میدارند به همه می‌فهمانند که فلانی قدمی برداشته است. این کار خیر هم در حقیقت شرّ است.

کار جهادی و تمدن سازی

اصل در انفاق و عبادت پنهانی بودن است. عبادت فردی باید پنهان باشد ولی عبادات جمعی به جهت گفتمان‌سازی و جریان‌سازی باید خیلی سر و صدا کند. نماز عید و جمعه نمایشی است برای اقتدار و عزت امت و تعاون و باهم بودن؛ یعنی در کنار هم در برابر خدا به خاک می‌افتیم و در کنار هم هستیم، قبل از نماز، بعد از نماز همه با هم هستیم، مشکل تو مشکل من است، شادی من شادی توست. غم تو غم من است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بیان آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جميعا» فرموده‌اند «کلوا جميعا و لا تفرقوا»؛ سیرها به فکر گرسنه‌ها باشند، خانه‌دارها به فکر بی‌خانه‌ها و بدهکاران باشند.

دعای ماه رمضان که می‌گویند برای همه بخوانید دارد یک وجدان جهادی ایجاد می‌کند. «اللهم اغن کل فقیر» یعنی هیچ فقیری نباشد. «اللهم اشبع کل جائع»؛ یعنی یک گرسنه هم زیاد هست. من می‌خواهم همه در عالم سیر باشند. خدایا همه برهنگان را بپوشان. خدایا همه اسیران را رهایی بخش؛ حتی یک نفر هم دربند نباشد. یعنی خدایا من فقط برای خودم از تو نمی‌خواهم

بلکه برای همه بنده‌های تو از هر قومیت و نژادی می‌خواهم. دعا پیام دارد. برای ما هدف‌گذاری می‌کند. اهداف خانواده مسلمان، حکومت دینی و جامعه مسلمان چیست؟ از همین دعاها می‌توان فهمید. همه این دعاها جزو اهداف جامعه‌سازی و نظام‌سازی و تمدن‌سازی است. در همین مسیر باید تلاش کرد. یعنی وقتی از خدا می‌خواهیم برهنه‌ای در عالم نباشد باید در این مسیر قدم برداریم و عمل کنیم. می‌گوییم اللهم اشف کل مریض؛ یعنی باید در مورد بهداشت، کار جهادی کنیم؛ علمی و عملی.

اردوهای جهادی ، مصداق اصلاح روابط با خلق

خدا در قرآن می‌خواهد بگوید ما چطور آدم باشیم. دو شرط دارد؛ اصلاح رابطه با خدا، و شرط دوم اصلاح روابط با خلق است که در تداوم اصلاح رابطه با خداست. در جهت آیات کریمه که می‌فرماید «أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ» خداوند را بنده باشید و بعد هم هر جا صلاة می‌آید زکات هم می‌آید. در روایت هست که صلاة بدون زکات قبول نیست. حق محرومین را اگر از اموال خارج نکنید نماز شما بالا نمی‌رود.

اصلا زکات به معنای نمو هست؛ رشد اموال هم در اخراج حق محرومین از مال خود است «و فی اموالکم حق معلوم للسائل و المحروم» این سائل به معنای گدا نیست بلکه هر کسی که نیازی دارد حتی غیرمالی. در روایات تکدی و تکدی‌گری در جامعه دینی معنی ندارد، اما اگر اضطراری پیش آمده است باید به شخص نیازمند کمک شود. امام رضا علیه‌السلام فرمودند «انسان و هیچ موجود دیگری حقیقتاً مالک هیچ چیز نیست. مالک اموال و لباس و حتی تن خود نیست» مگر تو این را آفریدی چشم به دستور تو می‌بیند؟ یا خون به دستور تو در رگ جاری است؟ همه اینها عاریه است. مالک خداست. اینها امانت است و خدا می‌گوید اینها را کجا خرج کن. بخشی از اموال للسائل و المحروم است. حق آنهایی که نمی‌توانند زندگی خود

را تأمین کنند در اموالی که تو از راه مشروع به دست آورده‌ای قرار داده است. تو باید این اموال را مدیریت کنی. مالکیتی در کار نیست. فقها کلمه اولویت را بکار می‌برند نه مالکیت را. یعنی شما نسبت به این مال اولویت دارید. خدمات دیگر متی بر دیگران نیست چون داری به خودت خدمت می‌کنی و وظیفه‌ات را انجام می‌دهی.

اردوهای جهادی قبل از انقلاب هم بود؛ اردوهای جهادی ضد حکومتی. در همین مشهد حلقه‌های ۱۰ نفری با موضوع سیاسی و تفسیر قرآن و نهج البلاغه و یا بررسی اعلامیه‌های امام و ... وجود داشت. یکی از کارهایی که داشتند همین اردوهای جهادی در مناطق محروم بود مثلاً دیوار خانه پیرزن یا بچه یتیم را می‌ساختند یا به آن مناطق دکتر می‌بردند. می‌گفتند دوشنبه و پنجشنبه روزه مستحبی بگیرید تا گرسنه‌ها را درک کنید. آن موقع در همین اندازه‌های کوچک بود اما الآن یک جریان و یک جنبش شده است و ده‌ها هزار طلبه و دانشجو به مناطق محروم می‌روند. این یک تحفه معنوی است. این برای شما مفیدتر است تا برای کسانی که به آنها کمک می‌کنید. یعنی آدم می‌شوید، آدم‌تر می‌شوید.

در فرهنگ اسلامی هرکس به دیگران بیشتر خدمت می‌کند این آدم‌تر است و هر کس دیگران را به خدمت می‌گیرد این حیوان‌تر است. خوراک جسم، طعام است و خوراک روح، اطعام. خوراک روح نخوردن و به دیگران خوراندن است. امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند «هرچه به دیگران می‌خورانی انسان‌تر و عبدتر میشوی و رشد میکنی».

کار جهادی با منطق مادی دیوانگیست

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام هست که یک کسی خیلی مهمان داشت و از پخت و پز خسته شده بود. مخصوصاً اینکه خیلی از آنها نه تنها تشکر نمی‌کنند بلکه منت هم می‌گذارند که به شما سر زدیم. نزد حضرت از این موضوع شکایت کرد. امام فرمود «شما که میزبان

هستی باید از مهمان تشکر کنی که به خانه تو آمده. چون خدمتی که میهمان به تو می‌کند بیش از خدمت تو به اوست، مهمان به هر خانه‌ای می‌آید رزق آن خانه بیشتر می‌شود، و وقتی می‌رود بخشی از گناهان آن خانه پاک می‌شود». این را تو در عالم دیگر می‌فهمی. همان روایت راجع به شماهاست. چون با ذهن مادی می‌گوییم کار بدون درآمد چه امتیازی دارد؟ می‌روی برای دیگران نوکری می‌کنی آیا مشکل عقلی داری؟

این انقلاب، انقلاب دیوانه‌ها بود؛ چون اصلاً به خودشان فکر نمی‌کردند. جنگ را دیوانه‌ها مدیریت کردند. در چند عملیات دیدم که بچه‌ها با کلاش و آرپی جی با چند تا خشاب ۳۰-۴۰ کیلومتر در عمق عراق و در آن طرف هلی‌کوپتر و ۱۰۰ تانک بودند. رزمنده‌های ما شوخی می‌کردند و می‌خندیدند. با منطق مادی محض، اینها دیوانه بودند.

فرمانده اخوی ما جانباز است و می‌گفت در حال پیشروی در مسیر باتلاق‌ها شوخی می‌کردند و می‌خندیدند و به آنها می‌گفتم مثل اینکه شما نمی‌دانید کجا هستید. کمی خودشان را جمع می‌کردند و مجدد و تا چند مرتبه این اتفاق تکرار شد. نهیب زدم. یکی از آنها برگشت گفت «حاجی! تو اگر می‌ترسی برگرد عقب، از همان اول هم بهانه می‌گرفتی! این دقایق آخر عمر را می‌خواهیم بخندیم» خب با منطق مادی محض همه دیوانه هستند.

طلبه و دانشجو متأهل و مجرد، هزار جور گرفتاری دارد می‌رود در بیابان برای مردم نوکری می‌کند. برای کسی که نمی‌شناسد. این با منطق مادی قابل فهم نیست. در کلمات امیرالمومنین علیه‌السلام هست که این کسانی که برای خود چرتکه نمی‌اندازند چرتکه برای خلق می‌اندازند «قد خولطوا»؛ اینها مجنون شده‌اند. مردم جامعه اینها را می‌بینند می‌گویند اینها دیوانه هستند. این چه سبک زندگی است. نفع و ضرر خودشان را نمی‌فهمند. ما نمی‌دانیم چندسال در این دنیا هستیم. آخرش ۷۰ سال است که ۲۰ سال آخر بین دستشویی و بیمارستان در رفت و آمدیم.

اصلا اینجا چیزی ندارد که دل ببندیم. سبک زندگی جهادی متفاوت است. آن چیزی که عموم جامعه به دنبال آن است، مجاهد از آن فرار می‌کند. اما آن چیزی که همه از آن فرار می‌کنند، مجاهد سمت آن می‌رود.

اولیاء خدا اسوه حسنه برای جهادگران

کسی که به او خدمت می‌کنی اگر آب دهان در صورت تو انداخت نباید ناراحت شوی. از او توقعی نیست. چون ما برای او کار نمی‌کنیم. ما برای خدا و برای خودم دارم خدمت می‌کنم. هر کس عمل صالح کند فلنفسه خدمت به خدا یک اصطلاح است، برای اینکه هدف را تشخیص بدهی. چون خدا مخدوم کسی نیست. خدمت برای خود است. رشد معنوی خودم است. مانند این که می‌گویند یقرض الله قرضا حسنا. حق الله در واقع حق النفس و حق خودت بر خودت است. عبادات حق الله است یعنی حق النفس است یعنی کاری که برای خودم می‌کنم.

این سنت اهل بیت علیهم السلام و در رأسشان پیامبر صلی الله علیه و آله است. سبک رفتار پیامبر با انسانها. خدمت معنوی می‌کند به او فحش میدهند پیامبر دعایشان می‌کند. کسی می‌گفت به پیامبر سنگ می‌زدیم و خواستم جلو بیایم که یک سنگ درست و حسابی بزنم که ایشان را بیاندازم دیدم زیر لب چیزی می‌گویند. شنیدم دارد ما را دعا می‌کند «اللهم اغفر لقومی إنهم لا یعلمون» نمی‌فهمند که من در حال خدمت به ایشان هستم. این حرکت جهادی است. قرآن می‌فرماید یک پیامبر نیامد الا اینکه او را مسخره کردند. بدون استثنا همه را مسخره کردند. اما اینها بدون توقع کار کردند. مگر انبیا نشستند مردم دست آنها را ببوسند یا مگر انبیا مریدان خود را می‌شمرند؟ پیامبر فرمود همه انبیا را آزار دادند اما هیچ کس به اندازه من اذیت نشد ولی هیچ کس به اندازه من عاشق مردم و شریک غم مردم نبود؛ «الطف بالناس».

مگر انبیا از بالا به پایین به مردم نگاه می‌کردند؟ مگر از کسی طلب داشتند؟ انبیا خود را بدهکار می‌دانستند. موعظه کردن جزو کمترین بخش‌های زندگی تربیتی پیامبر بود. عمل کن و آموزش بده. قدرت تشخیص و انتخاب کردن به آنها بده. ما فکر کردیم سخنرانی و موعظه یک شغل است. انبیا هیچ وقت کسی را موعظه نکردند مگر اینکه جلوتر از بقیه کار کردند. بیش از دیگران کار کردند. هیچگاه نگفتند بروید جهاد کنید ما دعواتان می‌کنیم. اول خودشان و اهل بیتشان رفتند بعد بقیه رفتند. نگفتند اگر به ما بی‌احترامی شد ما دیگر کار نمی‌کنیم. در روایات هست که کسی فحش بد به اهل بیت داد، فحشی که تعزیر دارد اما اهل بیت به او خدمت کردند.

امام محمد غزالی که از بزرگان اهل سنت است می‌گوید یک نفری به امام سجاد علیه‌السلام فحش داد. امام با لبخند حرف‌های طرف مقابل را قطع نکرد و گذاشت حرف‌هایش تمام شود و بعد فرمود «مثل اینکه شما اهل این شهر نیستید. اگر اجازه بدید من در خدمت شما باشم. ما جایی داریم برای افراد غریب که درب آن باز است». او فحش داد و امام اینطور با او برخورد می‌کرد. چون حضرت او را بیمار می‌داند و امام می‌خواهد او را معالجه کند. شهید بهشتی نزد امام گفته بودند مردم خیلی به من توهین می‌کنند اگر اجازه بدهید من بروم قم و کارهای طلبگی خودم را پیش ببرم. امام گفت اگر کسی قرار باشد بروم قم من هستم. مسئله دل نیست، ما به واسطه وظیفه‌ای که داریم اینجا مانده‌ایم. امام به شهید بهشتی گفته بودند مردم الان چه شعاری می‌دهند؟ مردم می‌گفتند «درود بر خمینی». امام گفت اگر همین‌ها فردا بگویند «مرگ بر خمینی» من در هر صورت به وظیفه خودم عمل می‌کنم. شما نباید از میدان در بروید. ما خستگی نداریم.

کار جهادی ما از هر عبادتی عبادت‌تر است. اهل بیت قبل یا بعد از نوافل شبانه‌شان شخصا غذا به دوش میکشیدن و می‌رفتند پایین شهر و به فقرا کمک می‌کردند.

معلى از شيعيان امام صادق عليه السلام است كه بعدا هم شهيد شد مى گويد نصف شب باران مى باريد ديدم كسى باري را به سختى بر دوش مى كشد. نزديك آمدم ايستاد. تا چهره شان را ديدم تعجب كردم امام صادق عليه السلام بودند. از حضرت خواستم كه اجازه دهند كمكشان كنم فرمودند اين بار من است تو برو بار خودت را بردار. اين مسئوليت من است. اما حضرت فرمودند اگر مى خواهى كمك كنى، آن بسته اى كه افتاده است را بردار و روى بارم بگذار چون اگر بخوام بایستم و خم شوم آن را بردارم ممكن است كه بقيه هم بريزند. از ايشان خواستم كه من هم همراهشان بروم حضرت فرمودند اشكالى ندارد ولى بايد با سكوت همراهى ام كنى. رفتيم ديديم عده زيادى خوابيده اند. حضرت کنار هر نفر بسته اى قرار مى دادند. تمام كه شد و از آن منطقه دور شديم از ايشان سوال كردم آيا شما اين ها را مى شناسيد؟ آيا اينها شيعه اند؟ حضرت فرمودند اگر شيعه بودند كه من بايد از نان و نمك خودم به آنها مى دادم اينها شيعه نيستند و حتى بعضى هايشان اصلا مسلمان نيستند.

در روايتى نقل مى كنند كه حضرت امير عليه السلام چند مشك آب روى دوش مى كشيدند و شنيدم زير لب دعا مى كنند كه خدايا اين را از من پذير من امشب جز آب چيزى ندارم.

نقل مى كنند كه امام حسن براى اعتكاف در مسجد الحرام آماده شدند كه بروند. كسى سراغ امام حسن را گرفت. گفت من بدهى دارم و پول ندارم بدهى را بدهم و تحت تعقيب هستم. كسى هم به من قرض نمى دهد. به من گفته اند تنها كسى كه امكان ندارد به تو كمك نكند پسر على و فاطمه عليهم السلام است. من شيعه هم نيستم. اما شما پسر پيغمبر هستيد. امام حسن فرمود حتما مى شود اما من الان پول ندارم اما هركارى از من بر مى آيد بگو من انجام دهم. شخص گفت ضامن من بشويد. راوى مى گويد در همين حين كه اينها مشغول صحبت بودند، من براى تجديد وضو رفتم اما وقتى برگشتم حضرت نبود. از اطرافيان پرسيدم. گفتند حضرت با همان آقايى كه صحبت مى كردند از مسجد خارج شدند. من تعجب كردم كه چرا

حضرت اعتکاف را رها کردند از مسجد بیرون شدم و آقا را دیدم و سوالم را پرسیدم. حضرت فرمودند «اگر راه بیفتی برای کسانی که نمی‌شناسی خدمت کنی و گره‌شان را حل کنی پاداش چند هزار اعتکاف در مسجد الحرام را دارد» من می‌خواستم برای خدا اعتکاف کنم حالا برای خدا می‌روم به بنده خدا کمک می‌کنم. اینها توفیقی است که افراد خاصی دارند. غیر از اینکه کمک به آبادانی است و مفاسد فردی و اجتماعی را حل می‌کند.

یکی از مسائلی که حل می‌شود، مسئله راحت طلبی و مفت خوری است. جامعه متدین جامعه تنبل نیست. اگر آثار تنبلی فرار از کار از فرد یا جامعه یا مجموعه‌ای می‌بینید به همان اندازه از اسلام دور است. یکی از نشانه‌های منافق کسالت است. مومن همیشه با نشاط و امیدوار و اهل کار علمی و عملی است. مومن اصلاً خسته نمی‌شود. آدم‌هایی که تظاهر می‌کنند مذهبی‌اند اما تنبل‌اند منافق‌اند. حالا بخشی هم شرایط بدنی و بیماری است. من آنها را نمی‌گویم. شبستری می‌گوید «مرد تمام کسی است که با خواجه‌گی نوکری کند» یعنی کسی که در عین دارایی خدمت می‌کند. در روایت داریم وقتی به کسی خدمت می‌کنید مؤدبانه خدمت کنید. بخش دیگر از فعالیت جهادی است. ممکن است در خدمت اخم کنید. خدمت بدون منت باید باشد. قرآن می‌فرماید این خدمتها را باطل نکنید با منت گذاری. ارزش معنوی خدمت در گرو نحوه خدمتی است که انجام می‌دهید.

شخصی زیر باران چتر باز کرده بود و دید که دیگری چتر ندارد. او را دعوت کرد که زیر چتر من قدم بزن. هر چند قدم یک بار می‌گفت که این چتر نعمتی بود و اگر من شما را نمی‌دیدم خیلی خیس می‌شدی. آن بنده خدا خسته شد و دید که جایی آب جمع شده. خودش را توی آن انداخت و گفت اگر چتر شما نبود، از این خیس‌تر می‌شدم؟ منت این کار را می‌کند. ازدواجهای کمیته امداد را در تلویزیون نشان میدادند این خیلی کار بدی بود.

ورود حوزه های علمیه در تبیین سبک زندگی

نهضت بزرگی در حوزه ها و رسانه ها لازم است برای تبیین سبک زندگی. پرداختن به مسائل اخلاقی حقوقی که اینها عبادت به معنی خاص نیستند و عبادت به معنی عام هستند. اینگونه روایات باید با توجه به دلالت و مقام صدورشان دسته بندی شوند. باید درسهای خارج وارد مباحث سبک زندگی شوند. می گویند احسان مستحب است واجب نیست. چه کسی گفته احسان واجب نیست؟ واجب است. کسی می گفت «یا امر بالعدل و الاحسان معلوم می کند که عدل مستحب است زیرا در کنار احسان آمده. احسان که قطعاً مستحب است پس عدالت هم مستحب است» به جای اینکه بگوید «یا امر» نشان از وجوب دارد آن هم نه یک بار بلکه فرمان دائمی می دهد به عدل و احسان. احسان یعنی خدمت بی توقع و بی نام و نشان به انسان های گرفتار.

بعضی وقت ها با این حرف ها فقط خوب بودن امامان ثابت می شود. این تشیع ما عزاداری و زیارت است. اگر این را از ما بگیرند ما با ادیان دیگر فرقی نداریم. اینها وسیله است و هدف آموختن از انبیاء و امامان است. این را باید در زندگی به کار بگیریم. ما هم الآن به اندازه جوامع کافر طلاق و معتاد و دروغگو و کلاهبردار داریم. همیشه در ایام عید غدیر تلاش می کنند ولایت امیرالمومنین علیه السلام را به هزار شکل اثبات کنند، خب بعد از اینکه اثبات کردی چه می خواهی بکنی؟ تو که ولایت علی را ثابت کردی با آنی که ثابت نکرده است چه فرقی داری؟ معلوم است در بکار گیری این ولایت در سبک زندگی. تو که بازاریت پر از دروغ است این توهین به امیرمؤمنین نیست؟ فقط می خواهی ثابت کنی اهل بیت خوب بوده اند ولی نمی خواهی این ولایت را به کار بگیری.

سکولاریزم در حوزه یعنی حوزه برای سبک زندگی اسلامی راه حل ارائه نمی‌دهد و جای آن را سبک زندگی آمریکایی و سکولار پر می‌کند. سکولاریزم حوزه یعنی این. سکولاریزم دانشگاه مذهب ستیز است. اما سکولاریزم حوزه مذهب ستیز نیست اما مذهب گریزی را ایجاد می‌کند.

خدمت به خلق در عین حفظ شرافت انسانی

اهل بیت فرمود حتی خدمت می‌کنید به انسانها مراقب کرامت آنها باشید. روایت از امام صادق علیه‌السلام و امام سجاد علیه‌السلام هست که کاروانی از مدینه به سمت مکه برای حج می‌آیند. یکی از حاجی بازاری ها می‌گوید کل نهار و شام حجاج با من. ایشان خودش جلوی در می‌ایستاد و خوش آمد می‌گفت و پیگیر بود. حضرت ایشان را به کناری کشید و گفت چرا به مومنین توهین می‌کنی؟ چرا تحقیر می‌کنی؟ چرا هر روز شما غذا می‌دهی شاید دیگری هم بخواهد غذا دهد. چرا دم در می‌ایستی که هم موقع ورود باید به تو تعظیم کنند و هم موقع خروج خود را شرمنده بدانند و هم هر وقت تو را دیدند خود مدیون تو بدانند.

خدمت به انسان فقط خدمت به شکم نیست بلکه خدمت به شرف و شعور او هم هست. حق نداری او را شرمنده خود کنی. این دقت‌ها در فعالیت‌های جهادی لازم است. ملت ما یکی از ملت‌های تنبل جهان است. حتی در بین متدینین و مذهبی‌ها به کسی که بیشتر می‌خورد و کمتر کار می‌کند زرنگ می‌گویند. این درست در مقابل معارف قرآن و سنت است. غرب در حوزه معماری و شهرسازی مطالب اخلاق و حقوق و فلسفه مطرح است. اما آن نظام اخلاقی سکولار است که در اینجا باید نظام اخلاقی اسلامی باشد.

اهمیت کار و تلاش

در روایات میگوید بعضی از گناهان با استغفار بخشیده نمی‌شد بلکه با کار بخشیده می‌شود. مگر وقتی عرق کنی و رنج ببری و کار کنی. جامعه‌ای که از کار و تلاش فرار می‌کند قطعا شکست می‌خورد و از بقیه ملت‌ها جا می‌ماند و تحت سلطه اقتصادی دیگران قرار می‌گیرند و از حقوق مسلم شان محروم خواهند ماند و حتما فقیر خواهند شد.

به امام عرض کردند یکی از شیعیان متمول شما مدتی است که دیگر کار نمی‌کند. حضرت او را فراخواندند و فرمودند حتی اگر نیاز پولی نداری از نظر روحی به کار محتاجی. خود کار کردن ارزش است. چون خود کار کردن و تولید ثروت و ایجاد اشتغال برای افراد عبادت است. نیاز اقتصادی هم نداری کار را ادامه بده. من کسل لم یؤد حقا کسی که انگیزه و نشاط ندارد و نمی‌گوید که هر روز روز نو جهاد نو، هیچ حقی را درست ادا نمی‌کند. نشاط باعث می‌شود حقوق تأمین شوند بنابراین باید برای نشاط جامعه کار کنیم. هر جا کسی افسردگی دارد باید کار کرد. مؤمن مگر می‌تواند بیکار بنشیند مگر می‌تواند بنشیند بگوید بیشتر مصرف می‌کنم. کل پول حرام و نامشروع که در اقتصاد اسلام است این است که پولی را به دست بیاوری که برایش زحمت نکشیدی. مشروع آن است که معلوم باشد در ازای آن چه خدمتی به دین و جامعه کردی. اسلام اصالت انسان است.

امام کسی را به مصر برای تجارت فرستاد امام دید که این سه چهار برابر متعارف سود برگرداند. حضرت علتش را جویا شدند، گفت که خدای رزاق لطف کرد و دیدیم که آنجا قحطی بود کالاهایی را نداشتند و ما زیاد داشتیم و ما هم سه چهار برابر قیمت فروختیم. امام فرمودند: اصل پولی که به تو دادم برگردان و به یک دینار از پولی که آورده‌ای دست نخواهم زد. تو دیدی مردم گرفتارند از آن سوء استفاده کردی؟ این مستحبات نیست بلکه از واجبات است. اسلام می‌خواهد صفت حرص و حیوان‌صفتی را از انسان بگیرد.

راجع به یکی دیگر از اهل بیت آمده که در مدینه گرانی بود و یکی از غلامان رفت چند برابر اوقات دیگر خرید کرد. حضرت فرمود در این چنین اوقاتی باید کمتر بخری نه اینکه بیشتر بخری. این فرهنگ انسانی اخلاقی! این سبک زندگی را هر جای دنیا بگویی همه مذاهب تشویق می کنند.

اگر نشاط نبود حقوق رعایت نمی شود باید همه با نشاط و با انگیزه باشند. تنبلی ضد عدالت و حقوق است. تنبل زیربار مسئولیت نمی رود. یکی از علل تأخیر ازدواج و کم شدن آن این است که ازدواج یعنی تن دادن به یک مسئولیتی که می خواهد لذت ببرد و مسئولیتش را نپذیرد. اسمهای شیکی هم روی این کارها می گذارند. برخی به ازدواج حماقت می گویند.

امام علی علیه السلام اگر شخصی یا خانواده ای گرفتار بیماری تنبلی و تن آسایی شد حقوق و تکالیفی که به عهده اوست ضایع خواهند شد. افراد تنبل تن پرور به هیچ مسئولیتی تن نمی دهند. هیچ حقوقی را رعایت نخواهد کرد.

امام علی علیه السلام خطاب به نیروها فرمودند «ده تا از شما را حاضرم بدهم و یکی از یاران معاویه را بگیرم چون هر چه او می گوید اطاعت می کند ولی شما تا حرفی از من می شنوید بهانه می آورید. به خدا که سربازان معاویه پیروز خواهند شد. اما نه به آن دلیل که او حق است بلکه چون در اجرای دستورات فرمانده شان به موقع عمل می کنند. اما فرمان من روی زمین می ماند»

بدون خواسته بودن کارهای جهادی

کار شما مانند نماز شب است با همان نیت و طهارت و بی توقعی از خلق انجام دهید. در جایی که خدمت می کنید احساس کنید که دیگران به تو خدمت می کنند.

اول انقلاب جمعه‌ها صبح مینی‌بوس می‌آمد و ما هم با خانواده می‌رفتیم روستای اطراف و گندم درو می‌کردیم. بسیار کم هم درو می‌کردیم. صاحب زمین برای ما چای هم می‌آورد ولی تا آخر روز به اندازه یک ساعت او کار می‌کردیم ولی به لحاظ روحی وقتی به دیگری کمک می‌کند وقتی دیگری به او نیاز دارد در همان لحظه در بهشت است و قابل مقایسه با هیچ کاری نیست. باید کاری کنید که هر دوره تعداد طلاب و دانشجو بیشتر شود.

در سوییس به یک کلیسا رفتم خلوت بود پرسیدم چرا؟ گفت آمریکایی‌ها بیشتر کلیسا می‌روند. از وقتی کتاب مقدس ترجمه شده است کلیساها خلوت شده است وقتی خودشان می‌فهمند کمتر می‌آیند. پرسیدم شما با روحانیون مذهب خود چگونه برخورد می‌کنید؟ گفت یکی از برنامه‌ها اردوی جهادی است کشیش پروتستان در سوییس گفت بزرگان مذاهب را معرفی می‌کنیم در کنار آن باید جایی که با هماهنگی انتخاب کردیم باید کمک کند خانه سالمندان و یتیم‌خانه‌ها و ... کار کنند. ما به کشیش‌هایمان تعمیر و خیاطی و نقاشی و ... یاد می‌دهیم در غیر اینصورت هیچ کس به اینها سلام هم نمی‌کند.

والسلام علیکم و رحمه الله